

بررسی تاثیر شغل بر ارزش های معطوف به توسعه ی زنان: مطالعه ی

موردی زنان شهر شیراز

حسن سرایی^۱ و سوسن سهامی^{۲*}

چکیده

ارزش ها از ابتدا به عنوان مفهومی محوری در علوم اجتماعی مطرح بوده اند. مطالعه ی ارزش ها برای تبیین شخصیت و نظام های اجتماعی بسیار مهم و تعیین کننده است. افراد و گروهها در ارزش ها متفاوتند، با توجه به تغییراتی که در سال های اخیر در زمینه ی حضور زنان در عرصه های عمومی بوجود آمده است، سئوال اصلی تحقیق این است که آیا دستیابی زنان به مشاغل جدید توانسته است جهت گیری زنان را به سمت ارزش های توسعه سوق دهد.

دیدگاههای نوین در زمینه ی ارتباط ارزش و توسعه و تغییرات اجتماعی را می توان به دو دسته تقسیم کرد از کارل مارکس تا دانیل بل استدلال می کند که توسعه ی اقتصادی، تغییرات فرهنگی را ایجاد می کنند. در این پژوهش تأثیر شغل بر ارزش های توسعه مدار زنان مورد بررسی قرار گرفته است و برای سنجش ارزش های توسعه مدار با یک رویکرد فرهنگی دیدگاههای جامعه شناسی را در زمینه ی تغییرات و توسعه و دیدگاههای روان شناسی اجتماعی در زمینه ی ارزش ها را بررسی کرده و بر اساس مبانی نظری خوشه هایی از ارزش ها را بدست آورده ایم. سپس با ساخت پرسشنامه ی اولیه و انجام مطالعه ی مقدماتی و تحلیل عاملی، خوشه ای از ارزش ها را که روی یک عامل قرار گرفته اند را انتخاب کرده ایم که عبارتند از: جهانی گرایی، عام گرایی، علم گرایی، عقلانیت، رضایت از زندگی و گرایش به کار پویاست. جامعه ی نمونه ۵۳۴ زن ۱۵-۴۵ ساله شهر شیراز هستند، روش پژوهش پیمایشی، با استفاده از پرسشنامه بود. پرسشنامه دارای

^۱-استاد دانشگاه علامه طباطبایی.

^۲- دکتری جامعه شناسی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

*- نویسنده ی مسئول مقاله: ssahami@miau.ac.ir

روایی صوری و سازه ای است و برای پایایی آن نیز از آلفای کرونباخ استفاده کرده ایم و آلفا برای تمامی مقیاس ها بالای ۰/۷۰ است.

یافته های مقایسه ای عقلانیت، علم گرایی و رضایت از زندگی، در بین سه گروه زنان خانه دار، شاغل و محصل تفاوتی نداشته است. به بیان دیگر اشتغال زنان به عنوان امری مدرن در ساختار اجتماعی جامعه ی مورد مطالعه نتوانسته تجهیز شناختی لازم برای زنان ایجاد کند، بنابراین این ارزش های معطوف به توسعه ی زنان در این گروهها یکسان است، اما ارزش های جهانی گرایی، عام گرایی و گرایش به کار پویا بین سه گروه تفاوت معنی داری را نشان می دهد.

واژه های کلیدی: ارزش اجتماعی، شغل، توسعه، جهانی گرایی، عام گرایی، علم گرایی، عقلانیت، رضایت از زندگی و گرایش به کار پویا.

پیشگفتار

آنچه از ابتدا باید مورد توجه قرار داد، مفهوم ارزش است. ارزش از نظر معنی بسیار غنی است و از این رو بسیار پیچیده است و به دشواری می توان آن را تعریف کرد (محسنی، ۱۳۷۵: ۴۳۷). داوری های ما از رفتار و گفتار و پندار دیگران بر اساس ارزش های است «انتخاب هدف و شیوه ها و نیل به آن ها در جامعه با ملاک های ارزش ها سنجیده می شود. ارزش ها به ما می گویند چه چیزی مطلوب است و کدام روش از نظر اجتماعی نامطلوب و نکوهیده است. اصولاً انسان پیش از هر چیز موجودی ارزشی است» (کاظمی، ۱۳۷۷: ۷۳). رودلف اشاره می کند که در تعریف کلومن ارزش عنصر اصلی مطلوبیت است کلومن در تعریف ارزش، آن را تصور و ادراک فرد یا گروه درباره ی مطلوبیت در نظر می گیرد که بر روی انتخاب روش ها، ابزار و عمل تأثیر می گذارد. وی تأکید می کند که این فرایند دارای سه بعد است: بعد احساسی، بعد شناختی و بعد تصمیم گیری و اجرای خواسته ها (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۲۶۸). اصولاً انسان بیش از هر چیزی یک موجود ارزشی است و اگر این ویژگی را از او بگیریم، دیگر تفاوتی با حیوان ندارد (Dahlke, 1985:6). روان شناسان از واژه ی ارزش برای اشاره به وجهی از جهت یابی برگزیده و ویژه که افراد را با سطح امیال، انگیزه، نیازها و نگرش ها مرتبط می کند، استفاده می کنند. زمانی که جامعه شناسی از هنجارها، آداب و رسوم، راه و روش (رفتار)، ایدئولوژی، تعهدات و شبیه به آن صحبت می کند، ارزش را به عنوان یک مفهوم اجتماعی بکار می برند، مفهومی که ریشه در رفتار افراد دارد. مفهوم ارزش را فلاسفه و مردم شناسان نیز بکار می برند. رایت^۱ این تفاوت ها در روان شناسی، علم فلسفه و مکتب

^۱ - Wright

جامعه‌شناسی را خلاصه می‌کند و بر این باور است که پایه و اساس ارزش در امیال و نیازهای (ضروریات) فرد است و انعکاس آن در آداب و رسوم است (Vanpeth & Scarbrough, 1995:22-24).

به باور جامعه‌شناسان ارزش‌ها باورهای ریشه‌داری هستند که بیش تر در قالب هنجارها، سمت و سوی عمل کنشگران اجتماعی جامعه را تعیین می‌کنند. ارزش‌ها نقش اساسی در تبیین، کنترل، هدایت، نظارت و پیش‌بینی کنش دارند، بنا براین این عنصر در امر تحول و تغییرات اجتماعی نقش بسزایی دارد. به گونه ای که اندیشمندان کلاسیک و مدرن همواره به ارزش‌ها بعضاً به عنوان امر مقدم تغییر و تحول اجتماعی یا به صورت نتیجه ی تغییر و تحول اجتماعی پرداخته‌اند. نتایج بسیاری از پژوهش‌ها در زمینه ی ارزش‌ها و توسعه نشان می‌دهد که با تحول در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه ی ارزش نیز دگرگون می‌شوند (Inglhart, 2000; Schwartz and Galit, 2000; Hofsted, 1997)، اما نکته ی قابل توجه این است که در برخی جوامع به دلیل وقوع تحولات اجتماعی و سیاسی نظام کهن در آن فرو می‌پاشد و به تدریج امکاناتی برای جابه‌جایی‌های پایگاهی در درون سلسله مراتب اجتماعی فراهم می‌شود. این تحولات می‌تواند ناشی از یک انقلاب سیاسی در جوامع سنتی باشد یا بر اثر انجام اصلاحات اجتماعی و اقتصادی در جامعه ایجاد شود (وئوقی، نیک‌خلق، ۱۳۸۱: ۲۸۶-۲۸۵)، بنابراین پاره‌ای از تغییرات اجتماعی اقتصادی با وجود آن که ساخت اجتماعی جامعه را به کلی دگرگون نمی‌کند امکانات زیادی برای جابه‌جایی پایگاهی پدید می‌آورد و فرآیند تغییر یا انتقال فرد از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر را امکان پذیر می‌کنند. گسترش شهرنشینی و توسعه ی صنعت با ایجاد مشاغل نوین و تغییر در تقسیم کار اجتماعی از جمله عامل‌های مؤثر بر تحرک اجتماعی هستند.

ایران نیز از جمله کشورهای است که در جریان نوگرایی همراه با جریان‌های نوسازی و پس از آن در انقلاب اسلامی با ادامه این روند در ساختاری نوین تغییرات چشمگیری را تجربه کرده است. به گونه ای که بافت یکدست جامعه به هم خورده و گروهها و طبقات نوینی بوجود آمده‌اند. یکی از این گروهها که پایگاه اجتماعی سنتی‌شان در جریان نوسازی با دگرگونی‌های عمیقی روبه‌رو شد، زنان هستند. «زنان ایران از گذشته‌های دور در دولت و دستگاههای دولتی حضور داشته‌اند، ولی میزان و کیفیت حضور آن‌ها در سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی دگرگونی‌هایی یافته است، به گونه‌ای که در مقطع زمان سال ۷۵ زنان سهمی حدود ۱۲ درصد از کل اشتغال کشور را به خود اختصاص داده‌اند و سهم زنان با تحصیلات عالی در کل زنان شاغل کشور در طی بیست سال اخیر دو برابر شده است (از ۱۱ به ۲۲ درصد). در ترکیب زنان شاغل ۹/۴ درصد در گروه قانون‌گذاران، مقامات عالی‌رتبه و مدیران قرار گرفته‌اند به بیان دیگر، نزدیک به ۵ درصد از زنان شاغل به

سمت‌های مدیریتی یا معاونت وارد شدند. ۱۸ درصد کل هیئت علمی‌های دانشگاه‌های دولتی در ۱۹۹۸ را زنان شامل می‌شدند» (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۱۲۷).

بی‌تردید صد سال اخیر برای زنان با تحولات اساسی در نقش و پایگاه اجتماعی و خانوادگی همراه بوده است، اما وقوع انقلاب اسلامی و تحولات ایجاد شده در ساختارهای اجتماعی-سیاسی ایران حاکی از برجستگی و ارج نهادن به ارزش‌ها نزد ملت ایران است، به گونه‌ای که انقلاب ایران را انقلاب ارزش‌ها خوانده‌اند. مسئله ی اهمیت ارزش‌ها از یک سو و تحول در زمینه ی اشتغال، مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی و بالاخره گسترش شبکه های ارتباطی زنان از سوی دیگر سوال اصلی این مقاله را شکل می‌دهد، بنابراین اگر طی دهه‌های اخیر امکان برقراری روابط اجتماعی گسترده‌تر و کسب پایگاههای شغلی تازه نسبت به گذشته برای زنان فراهم آمده است، آیا این امر بر جهت گیری ارزشی توسعه مدار آنان نیز تاثیر گذاشته است؟ بنابراین هدف این مقاله نخست، دستیابی به خوشه ی ارزش های معطوف به توسعه بوده و سپس بررسی رابطه ی این ارزش‌ها با شغل زنان است.

ادبیات پژوهش

محسنی در پژوهشی با عنوان «بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی-فرهنگی در ایران» با نمونه ی ۳۵۴۰ نفر به مطالعه ی ابعاد گوناگون فرهنگ پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ارزش مادی‌گرایانه، واقع‌گریزی و غیراجتماعی در نسل ۱۶-۲۴ ساله ی ایران در معرض رشد زیادی است. اندیشه‌های جبرگرایانه در بی‌سوادان، کم‌درآمدها، سالمندان و تا حدودی جوانان و زنان دارای قدرت شایان توجهی است. بررسی نشان می‌دهد که در نگرش فرهنگی برخلاف تصور همگان درآمد و سواد تعیین‌کننده است (محسنی، ۱۳۷۹).

سهامی در پژوهشی با عنوان " بررسی ارزش های فرهنگی جوانان در مقایسه با بزرگسالان در شهر شیراز که با یک نمونه ی ۶۰۰ نفری از جوانان و بزرگسالان شهر شیراز انجام داده است، با استفاده از نظریه ی هافستد به بررسی مقایسه ای ارزش های جوانان با بزرگسالان پرداخت. یافته ها نشان می دهد که بین ارزش های مذهبی و خانواده گرایی دو گروه جوانان با بزرگسالان تفاوتی معنی دار وجود دارد، اما در ارزش های فرد گرایی و جمع گرایی دو گروه تفاوت معنی داری وجود ندارد. شغل والدین با ارزش های خانواده گرایی و مذهبی رابطه ای معنی دار دارد (سهامی، ۱۳۸۱).

تیموری در پژوهشی با عنوان مقایسه ی نظام ارزش پسران و پدران و عامل های مؤثر بر آن در شهر تهران به بررسی ارزش می پردازد و یافته ها نشان می دهد که بین پایگاه اجتماعی خانواده با

گرایش به ارزش های اجتماعی و مذهبی نوجوانان رابطه ای معکوس وجود دارد و متغیرهایی چون میزان ارتباط با گروه همسالان، بعد خانوار، تماشای تلویزیون، مسافرت به خارج از منطقه ی سکونت، نوع مدرسه، تحصیلات پدر و منزلت شغلی با نظام ارزشی های نوجوانان رابطه های معکوس و مستقیم دیده می شود (تیموری، ۱۳۷۷).

آزادارمکی و گیاثوند در پژوهشی با عنوان «جامعه شناسی تغییرات فرهنگی در ایران» به بررسی تغییر و تحولات ساختار نظام ارزشی ایرانیان پرداخته اند. در بخشی از پژوهش، ویژگی های زن مدرن که بر اساس تحلیل عاملی صورت گرفته، عبارت است از: استقلال رأی، کار کردن بیرون از خانه و داشتن تحصیلات. عامل های مؤثر بر توجه به معیارهای زن مدرن عبارتند از: جنس (زنان بیش تر از مردان به ویژگی یک زن مدرن اهمیت می دهند)، وضعیت تأهل (افراد مجرد نسبت به متأهلان اهمیتی بیش تر برای ویژگی مدرن یک زن قایل اند)، گروه سنی (گروه سنی ۱۵-۲۴ سال اهمیتی بیش تر برای ویژگی زن مدرن قایل بوده است)، تحصیلات (افراد تحصیل کرده در مقایسه با بی سوادان توجه و اهمیتی بیش تر به ویژگی های مدرن زن دارند) و درآمد (افراد با درآمد بالا اهمیتی بیش تر برای زن مدرن قایل اند) (آزادارمکی، گیاثوند ۱۳۸۳)، بنابراین مطالعات انجام شده به نوعی نشان می دهند که شغل از متغیر های تأثیر گذار بر ارزش هاست.

«هافستد و تراندیس، در خلال مطالعات خود دریافتند که فرهنگ ها در جهت فردگرایی/ جمع گرایی تغییر می کنند. در فرهنگ های جمعی، گروه واحد تمرکز است و فرد به عنوان نماینده ی گروه دیده می شود. مرزهای گروهی به روشنی مشخص است عضویت در گروه اغلب یک تعهد است. در فرهنگ های فردگرا، استقلال فردی بیش از روابط متقابل مورد توجه است و گروهها محصولات فردی اند. عضویت گروهی سیال تر منطقی تر است و افراد به فراوانی درون و بیرون گروهها حرکت می کنند» (Spears & Others, 1997).

«تراندیس^۱ با مطالعه ی متنوع روی موضوع فرهنگ در کشورهای گوناگون نشان داده است که در ارزش های فردگرایی و جمع گرایی، کشورهای گوناگون متفاوتند. جنوب ایتالیا را بن فایلد^۲ و یونان سنتی را تراندیس و واسیلیوس استوار در سال ۱۹۶۶ مورد مطالعه قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که این کشورها به ارزش های فردگرایی میل داشته اند» (Trandis & Douris, 1998).

دونالد اینگلهارت با طرح و گسترش نظریه ی تحول فرهنگی، در پی فهم چگونگی و چرایی تغییر و تحولات ارزش ها و نگرش های جوامع است او بر اساس چهار موج به بررسی ارزش ها در

^۱ - Trandis

^۲ - Banfield

مقیاس جهانی پرداخته است. این نظریه در زمینه ی ارتباط جهت گیری ارزشی با دگرگونی فرهنگی و اجتماعی مورد استفاده ی پژوهشگران قرار گرفته است. در دهه ی گذشته جوامع پیشرفته ی صنعتی از جنبه های اقتصادی، فناوری، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی در حال دگرگون است. یافته ها نشان می دهد که باورهای مذهبی، نگرش مردم درباره ی طلاق، ازدواج، سقط جنین، همجنس بازی و اهمیت تشکیل خانواده و فرزند آوری دگرگون شده است. صنعتی شدن، شهرنشینی و روی هم رفته، امنیت اقتصادی کشورهای پیشرفته تفاوت بین نسلی را ایجاد کرده و جهت گیری ارزشی را به سمت ارزش های پست مدرن و فرا مادی تغییر جهت داده است. بدین گونه که مردم بیش تر بر کیفیت زندگی، محافظت از محیط و خودشکوفایی تأکید می کنند (20-21):

(Inglehart & Baker, 2000).

«شوارتز^۱ در پژوهشی با عنوان «ابعاد جهانی ارزش در ساختار و محتوای ارزش های بشری کدامند؟» با تکیه بر تئوری های ابعاد ارزشی، پژوهش های خرده فرهنگی و غیره با مطالعه روی ۹۷ نمونه از ۴۴۰ کشور به بررسی ابعاد ارزشی پرداخته است. وی ابتدا به تعریف و طبقه بندی ارزش ها پرداخته و ۵ ویژگی را برای ارزش در نظر گرفته است: ۱- باور ۲- مربوط به امیال است ۳- فراسوی موقعیت ها ویژه بوده است ۴- راهنمای انتخاب یا ارزیابی رفتار، مردم و حوادث است ۵- به وسیله ی اهمیت نسبی یک ارزش نسبت به دیگر ارزش ها به شکل یک نظام ارزشی تنظیم شده است و به گونه ی اختصاصی ارزش ها در شکل اهداف آگاهانه ای به سه نیاز جهان شمول که همه ی انسان ها و جوامع باید بر آنها فایق آیند، پاسخ می دهند.

شوارتز ۱۰ بعد را برای ارزش روشن نموده و به بررسی آن ها می پردازد. این ارزش ها عبارتند از: ۱- قدرت ۲- دستاوردها ۳- جهان گرایی ۴- همنوایی ۵- سنتی ۶- لذت گرایی ۷- تحریک کننده ۸- خیرخواهانه ۹- خود رهبری ۱۰- امنیت.

«بر اساس یافته ها، جنبه های اساسی تر تئوری ساختاری تنظیم چهار نوع ارزش منظم تر به صورت دو بعد عبارت است از: آزاداندیشی برای تغییر (خود- رهبری و تحریک کننده)، محافظ کاری^۲ (سنتی، همنوایی و امنیتی) و خود- تقویتی^۳ (قدرت، دستاوردها)، خود- فراگیر (برتری)^۴ ارزش های جهان گرایی، خیرخواهانه. نخستین بعد آزاداندیشی در ۹۴ مورد از ۹۶ مورد نمونه نشان داده شده است. بعد دوم در ۹۴ نمونه از ۹۷ نمونه مشاهده شده است. نظام ارزش های جهان گرایی (۰/۴۰)، خود-رهبری (۰/۳۲)، تحریک کننده (۰/۱۲)، لذت گرایی (۰/۱۰)، دستاوردها

^۱ - Schwartz, Sh

^۲ - Conservation

^۳ - Self Enhancement

^۴ - Self-Transcendence

(۰/۱۲)، قدرت (۰/۰۵)، امنیت (۰/۳۱)، سنتی (۰/۴۱)، هم‌نوایی (۰/۱۹) و خیرخواهی (۰/۱۳) است» (Schwartz, 1997).

«کیم، لی و دیگران در پژوهشی با عنوان «ابعاد چندگانه‌ی ارزش‌های آمریکای آسیایی: توسعه، اعتبار و پایایی» به بررسی ابعاد ارزشی افراد آمریکایی آسیایی پرداخته‌اند. آن‌ها در این بررسی ابعاد چندگانه‌ی مقیاس ارزش‌های آمریکا و آسیایی را در ۵ بخش تقسیم می‌کنند. این ۵ بخش شامل: ارزش‌های جمع‌گرایی، هم‌نوایی با هنجارها، احساس کنترل-خود، شناخت خانواده از راه دستاوردهای آن و تواضع (فروتنی). در مطالعه‌ی دوم با داده‌ها از ۱۸۹ پاسخگوی آمریکایی آسیایی گردآوری شده و در مطالعه‌ی سوم ۳۸ پاسخگوی آمریکایی آسیایی به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند که نتایج نشان می‌دهد که مقیاس ارزش‌های آسیای آمریکایی در کل و خرده مقیاس‌های آن با استفاده از آزمون مجدد دارای پایایی است» (Kim & Others, 2005).

چارچوب نظری

ارزش‌ها هسته‌ی اصلی فرهنگ بشمار می‌آیند و در هر جامعه مطلوبیت هدف‌ها و شیوه‌های نیل به آن‌ها به وسیله‌ی ارزش‌ها سنجیده می‌شوند، اما آنچه قابل توجه است این نکته بود که ارزش‌ها هرگز ثابت نبود و به همین دلیل اندیشمندان دسته‌بندی گوناگون را برای ارزش‌ها در نظر می‌گیرند. در این مقاله هدف دست یافتن به خوشه‌ای از ارزش‌هاست که جامعه‌شناسان برای رسیدن به توسعه و مدرن شدن آرایه می‌دهند زیرا به باور آن‌ها به همراه تغییر ساختارهای جامعه ارزش‌های نوین نیز شکل می‌گیرند. به بیان دیگر «مطالعات متعدد تبیین می‌کند که ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها به گونه‌ای ژرف در ساختارهای اجتماعی کلان ریشه دارند (Weret and Smith 1965; Inglehar, 2000; Inkeles, 1983; Learner 1968). (other, 2005).

موضوع و محور اصلی این مقاله بررسی جهت‌گیری ارزشی معطوف به توسعه است. برای تعیین این مسئله به لحاظ نظری با رویکردی فرهنگی و ارزشی دیدگاه‌های جامعه‌شناسی در زمینه‌ی تغییرات اجتماعی و توسعه را بررسی می‌کنیم. کلاسیک‌ها مانند دورکیم و وبر به بحث ارزش و فرهنگ اهمیت ویژه داده‌اند و بویژه بحث وبر در کتاب اخلاق پروتستانی سبب می‌شود که فرهنگ در مباحث علوم اجتماعی از موقعیت روبنای خود تغییر مکان دهد و به مباحث زیربنای توسعه تبدیل شود. بر این اساس، در این بررسی سعی شده تا

خوشه‌هایی از ارزش‌های معطوف به توسعه از مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی استخراج شود و سپس روابط این ارزش‌ها با شغل زنان مورد بررسی قرار گیرد. کنت، در بحث تغییرات اجتماعی سه مرحله‌ی تاریخی (مرحله ربانی، مابعد الطبیعی و اثباتی) را برای جوامع در نظر می‌گیرد. و بر این باور است که تکامل ذهنی و فکری نقشی محوری و تعیین‌کننده در پیشرفت بشر داشته به بیان دیگر، در مرحله‌ی اثباتی جوامع از ریشه‌های خرافات و مابعد الطبیعه گسسته می‌شوند و استدلال‌های عقلی، ارزش و جایگاهی ویژه پیدا می‌کند، بنابراین در بینش کنت یکی از تحولات فکری در جامعه‌ی مدرن و توسعه یافته، بایستی علم‌گرایی و توجه به مشاهده و آزمایش به جای باور به قدرت‌های فراطبیعی باشد. دورکیم نیز در تفکیک، «جامعه‌ی سنتی» از «جامعه‌ی مدرن» به همبستگی و تشکل بین افراد اشاره می‌کند و بر این باور است که این تشکل اجتماعی و نحوه‌ی زندگی به نوبه‌ی خود بر چگونگی تفکر، باورها و ارزش‌های آنان تاثیر می‌گذارد (لهسای، ۱۳۸۰؛ ریتزر، ۱۳۷۷؛ کوزر، ۱۳۸۶).

«مردم یک جامعه‌ی سنتی، وظایف محدودی از کارهای ساده‌ی کشاورزی آن جامعه را بر اساس گروه‌های فامیلی و قبیله‌ای در دهکده‌های خود انجام می‌دهند، اما جامعه‌ی نوین بسیار پیچیده‌تر و منسجم‌تر و هر بخش همانند یک ارگانیزم طبیعی در کارکرد خود تخصصی عمل می‌کند، بنا بر این نظام نوین، الگوهای تاره‌ای از اخلاق و هنجارهای اجتماعی بوجود می‌آورد» (وبستر، ۱۳۸۱:۴۲). به بیان دیگر، در جامعه‌ی ارگانیک به دلیل حجم و تراکم جمعیت تقسیم کار گسترش می‌یابد و پایگاه‌ها و نقش‌های افراد متنوع و دگرگون می‌شود و در یک جمع‌بندی بر اساس نظریه‌ی دورکیم تقسیم کار در تکامل تاریخی نقش کلیدی دارد. در نتیجه جوامع نوین متشکل از افرادی است که تفاوتی بسیار با یکدیگر دارند و در زندگی روزمره‌ی خود به فعالیت و انجام وظیفه‌ی تخصصی مشغولند، پایگاه‌های ویژه‌ای را اشغال می‌کنند و هنجارها و ارزش‌های متمایز، راهنمای رفتار شخصی آن‌هاست به بیان دیگر، ارزش‌های همگون در جوامع نخستین با عنوان وجدان جمعی، راهنمای رفتار افراد جامعه بود. وجدان جمعی در جامعه‌ی مدرن رو به نابودی گذاشته و به وجدان‌های شخصی مبدل شد زیرا این وجدان جمعی مبهم و کلی بود و با توجه به تنوع پایگاه‌ها و تحرک اجتماعی بوجود آمده، کارایی خود را از دست داده است، بنابراین در جامعه‌ی نوین اندیشه‌ها، باورها و ارزش‌ها به گونه‌ی کامل تسلیم باور جمع نبود و افزون بر این، ضعف وجدان جمعی با کاهش تأثیرات اعتقادات دینی همراه است. پس به باور دورکیم، ارزش‌ها مانند فردگرایی، آزادی و دنیایی شدن در جامعه‌ی مدرن شکل می‌گیرند.

وبر^۱ جامعه‌شناس آلمانی با تبیین ریشه‌های پیدایش سرمایه‌داری و عامل‌های مؤثر و تشکیل‌دهنده ی نظام سرمایه‌داری در مغرب زمین چگونگی توسعه‌یافتگی و صنعتی شدن جوامع غربی را تبیین کرده در این تبیین عناصری چون عقلانیت و اقتدار را نیز مورد بحث قرار داده و بر مبنای این عناصر مراحلی چون جماعت و جامعه را از یکدیگر جدا کرده است. در "جامعه" احکام ارزشی عقلانی یا مصلحت‌ناشی از آن روابط اجتماعی را شکل می‌دهند (وبر، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

وبر در مقاله ی خود با عنوان «خلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» رابطه ی فرهنگ، ارزش‌ها و دگرگونی اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است، بی‌تردید روح پروتستانی وبر مسایلی را مطرح ساخت که درست در چارچوب مطالعات معاصر درباره‌ی توسعه جای می‌گرفتند، رابطه ی سرمایه‌داری و عقلانیت که محور مقاله ی وبر است، با مختصری دست‌کاری در تفسیرهای توسعه نمودار شدند» (گن و ذیر، ۱۳۸۳: ۲۲۸-۲۳۰).

رویکرد نوسازی که برخاسته از دیدگاه‌های تطوری و کلاسیک جامعه‌شناسی است، در زمینه ی بعد فرهنگی توسعه به جزئیات بیش تری پرداخته «پیترورسلی اظهار می‌دارد که "نوسازی" به تمام تغییراتی که از جنبه‌های اجتماعی و سیاسی، امر صنعتی شدن را در بسیاری از ممالک دارای تمدن غربی همراهی کرده‌اند، اشاره دارد؛ از جمله: شهرنشینی، تغییرات ساختاری اشتغال، جابه‌جایی اجتماعی، توسعه، آموزش و پرورش و هم‌چنین تغییرات سیاسی به صورت کنار گذاشتن نهادهای مطلق‌گرا و استبدادی و روی کار آمدن حکومت‌های مسؤل و انتخابی و نیز عوض شدن نظام مطلق‌العنان بخش خصوصی و جایگزینی آن با یک دولت رفاه متجدد» (ورسلی، ۱۳۷۳: ۲۰۰).

«یکی دیگر از نظریه‌های که اصالتاً شباهتی بیش تر به الگوی نوسازی دارد، نظریه ی بسیج اجتماعی است، این عنوان ابتدا به وسیله ی کارل دویچ بکاربرده شده است. «بسیج اجتماعی عبارت است از روندی که در آن مجموعه‌های تعهدات اقتصادی و روانی کهنه ریشه‌کن و یا در هم شکسته شده باشد و مردم آمادگی پذیرفتن الگوهای تازه ی رفتاری و اجتماعی را پیدا کنند. میزان موفقیت بسیج اجتماعی در سطح کل جامعه بستگی به درصد جمعیتی دارد که در معرض جلوه‌های نوگرایی قرار گرفته‌اند» (سیف زاده، ۱۳۷۵: ۱۱۴). آن‌ها عناصر محیطی را در چارچوب متغیرهایی چون شهری شدن، تعلیم و تربیت، ارتباط توده‌ای، صنعتی شدن، سیاسی شدن، کار در کارخانه و غیره می‌بینند که این عناصر به نوبه ی خود اشتغال زنان را به عنوان یک امر مدرن ایجاد می‌کند و به باور آن‌ها این تغییرات معیارهای درونی و ارزش‌های افراد را دگرگون می‌کند به گونه ای که به ویژگی‌ها و معیارهای زیر توجه دارند:

«- آمادگی انسان برای پذیرش تجربیات تازه و استعداد او برای ابداع و تغییر.

¹ - Max Weber

- برخورداری از باورهای آزاد و توجه به تنوع باورها و آگاهی از اختلاف آن‌ها با یکدیگر.
- معطوف بودن ذهن او به حال و آینده تا به گذشته و برخوردار بودن از وقت شناسی و نظم و انضباط.

- تمایل داشتن به برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی امور.

- کارآمد بودن یا داشتن ایده و توانمندی تسلط بر محیط.

- قابل محاسبه دانستن جهان.

- احترام به دیگران.

- اعتقاد به علم و فناوری.

- احترام به برابری و رعایت حقوق دیگران» (وینر، ۱۳۵۴:۱۱۹).

«هریسون نیز بمنظور تبیین بعد فرهنگی توسعه ی اقتصادی دو نوع فرهنگ ایستا و پویا را مشخص می کند. و ده ارزش نگرش یا مجموعه ی ذهنی را ارایه می کند:

۱- جهت‌گیری زمانی، فرهنگ‌های پیشرفته بر آینده و فرهنگ‌های ایستا بر حال یا گذشته تأثیر دارد.

۲- کار: کار در فرهنگ‌های پیشرفته محوری برای زندگی، در فرهنگ‌های ایستا امری اجباری و تحمیلی.

۳- قناعت: قناعت در فرهنگ‌های پیشرفته مادر سرمایه‌گذاری، در جامعه ی ایستا تهدیدی برای مساوات‌طلبی جامعه.

۴- آموزش: فرهنگ پویا کلید توسعه و فرهنگ ایستا تنها در بین نخبگان اهمیت دارد.

۵- در فرهنگ پویا شایستگی، اما در فرهنگ ایستا خانواده و رابطه‌مندی مهم است.

۶- در فرهنگ پویا شعاع‌شناسی و اعتماد در حد گسترده و فراتر از خانواده، اما در فرهنگ ایستا خانواده اجتماع را احاطه می کند(هریسون، ۱۳۶۴).

مور بر این باور است که فرایند توسعه صرفاً رشد اقتصادی نیست وی در مورد ارتباط ارزش‌ها و توسعه ی اقتصادی استدلال می کند که "ارزش‌ها" با معیارهای ویژه، قوانین سازمانی و اجرای زمینه ی عقلانی را فراهم می کنند (مور، ۱۳۶۹: ۲۲-۲۳).

پارسونز نیز برای تفکیک جوامع سنتی و نوگرا، مفهوم «متغیرهای الگویی»^۱ را مطرح می کند. متغیرهای الگویی، روابط اجتماعی مهمی هستند که در بستر نظام فرهنگی، یعنی متعالی‌ترین و مهم‌ترین سیستم در چارچوب نظری پارسونز، قرار داشته از ویژگی دوام و تکرارپذیری برخوردارند»

^۱ - Pattern Variables

(سو، ۱۳۸۰: ۳۴). منظور او از متغیر انتخاب یک شق از دو شقی است که عامل پیش از آن که بخواهد به عمل دست بزند، یکی از آن را انتخاب می کند، متغیرهای الگوی عبارتند از:

- ۱- عاطفی بودن در برابر خنثی بودن از لحاظ عاطفی.
 - ۲- جهت گیری جمعی در برابر جهت گیری به سوی خود.
 - ۳- عام گیری در برابر خاص گیری.
 - ۴- کیفیت ذاتی بودن در برابر جنبه عملی.
 - ۵- ویژه بودن در برابر پراکنده بودن» (ریترز، ۱۳۷۷: ۱۳۱).
- گیدنز، تفاوت های فرهنگ مدرن و پیش از مدرن را بر اساس محیط های اعتماد تقسیم بندی می کند و به باور او چهار زمینه ی محلی اعتماد بر فرهنگ های پیش از مدرن تسلط دارند:

- ۱- نظام خویشاوندی.
- ۲- اجتماع محلی به عنوان مکان سازنده ی یک محیط آشنا.
- ۳- کیهان شناسی مذهبی.
- ۴- سنت (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۱۲۰-۱۲۱).

محیط های اعتماد در فرهنگ های مدرن نظام های انتزاعی است که وسیله ی تثبیت روابط هستند و اولویت مکان در محیط های پیش از مدرن از بین رفته است. هرگونه امنیت مبتنی بر روابط از جا کنده شده است تا ویژگی های محلی» (همان منبع، ص ۱۲۹-۱۳۰).

«اینگلهارت در اثر خود تحول فرهنگی در جامعه ی پیشرفته به بررسی تعامل بین عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می پردازد. او با بهره گیری از داده های پیمایشی نوسان سنج اروپا، پیمایش جهانی ارزش ها و مطالعات سه گروه پژوهشی در اروپا، تجزیه و تحلیل های خود را ارائه می دهد. اینگلهارت درصد یک بازاندیشی در مباحث توسعه و ارزش هاست برخلاف تئوری نوسازی که بیش تر بر عامل های درونی توسعه و ارزش های معطوف به آن می نگرند، اینگلهارت در پی بررسی این مسئله است که نوسازی اقتصادی و سیاسی اجتماعی چه تغییراتی را بر جهت گیری ارزش می گذارد. به بیان دیگر او با نقد تئوری نوسازی بین دیدگاه مارکس در زمینه ی توسعه و دیدگاه نوسازی تلفیق ایجاد می کند. اینگلهارت در اثر خود تحول فرهنگی در جامعه ی پیشرفته به بررسی ارتباط بین زمینه های فرهنگی و ارزش ها از یک سو و شرایط اقتصادی از سوی دیگر پرداخته است. او بر این باور است که سطح توسعه ی اقتصادی یک کشور مستقیماً در ارتباط با مجموعه ای از ویژگی هایی است که آن ها را «فرهنگ مدنی» می نامند. نشانه های این فرهنگ عبارتند از: ۱- اعتماد به یکدیگر ۲- رضایت از زندگی ۳- و عدم حمایت از دگرگونی انقلاب. افزون

بر این، مدل وی از شاخص چهارمی برخوردار است که آن رضایت از مسیری است که دموکراسی در کشور شخص پرسش شونده می پیمود. پژوهش های اینگلهارت نشان می دهد که فرهنگ مدنی به همراه این سه شاخص، با شمار سال هایی که نهادهای دموکراتیک در یک کشور عمل کرده اند، پیوند محکمی دارد» (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۳). بنابراین نظریه ها و پژوهش های نوین پیرامون تحول ارزش ها و تفاوت جوامع توسعه یافته و دیگر جوامع از نظر ابعاد جهانی ارزش خونی تازه را در شریان مطالعات فرهنگی و ارزش های معطوف به توسعه جریان داده است.

در این بخش با مطرح کردن دیدگاهها و بر اساس مطالعات انجام شده به مجموعه هایی از ارزش ها دست یافتیم که بر اساس آن ها نشانه های ارزشی یک جامعه ی روبه رشد را مشخص کرده ایم.

فرضیه ی پژوهش

- ۱- بین وضعیت فعالیت زنان و جهت گیری به سمت جهانی گرایی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین وضعیت فعالیت زنان و جهت گیری به سمت عام گرایی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین وضعیت فعالیت زنان و جهت گیری به سمت علم گرایی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین وضعیت فعالیت زنان و جهت گیری به سمت عقلانیت رابطه وجود دارد.
- ۵- بین وضعیت فعالیت زنان و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد.
- ۶- بین وضعیت فعالیت زنان و جهت گیری به سمت کار پویا رابطه وجود دارد.

تعریف مفهومی و عملیاتی جهت گیری ارزشی توسعه مدار

به باور گروهی از اندیشمندان توسعه، جوامع توسعه یافته در برابر جوامع توسعه نیافته در ابعاد زیر از نقطه نظر ارزشی متفاوتند: ارزش علم گرایی، کار، اعتماد، تفکر دموکراتیک، رضایت از زندگی، عام گرایی، عقلانیت، جهان گرایی، میزان مشارکت اجتماعی (سیف اللهی، ۱۳۸۱؛ مور، ۱۳۶۹؛ اینگلهارت، ۱۳۷۳).

برای هر کدام از شاخص ها، معرف هایی برای سنجش وجود دارند. تفکر دموکراتیک از راه گوپه های مرتبط با میزان گرایش به مشارکت سیاسی، آگاهی سیاسی، تفکر انتقادی، برابری و نوع نگرش به چگونگی روابط زیر دست و بالا دست سنجیده می شود؛ گرایش به کار پویا به وسیله ی گوپه های مرتبط با نگرش نسبت به ضرورت کار و فعالیت، نقش کار در کمال انسان، بیزاری از بیکاری و کار غیر تولیدی، نظم و وقت شناسی سنجیده می شود و اعتماد از راه گوپه های اعتماد به محله، کسبه، سیاست و مردان سیاسی سنجیده می شود و رضایت از زندگی از راه گوپه های رضایت سیاسی، رضایت از جنسیت، احساس خوشبختی و کارایی سنجیده می شوند.

برای تدوین گوپه های سنجش متغیر وابسته با توجه به مبانی نظری از تقسیم بندی های مفهومی افرادی مانند "هریسون"، "اینگلههارت" و "شوارتز" استفاده کرده ایم. برای سنجش این ابعاد ابتدا ۱۶۱ پرسش طراحی و سپس با بررسی روایی صوری آن به وسیله ی صاحب نظران برخی پرسش ها حذف شد. پس از آن پرسش ها برای نمره گذاری به چند داور داده شد و پرسش هایی را که از امتیازی کم تر برخوردار بودند، حذف شد. سپس با مطالعه ای مقدماتی روی صد نفر و انجام تحلیل عاملی، ۹۰ پرسش باقی ماند که از این ۹۰ پرسش ۱۴ مقیاس بدست آمد و برای کاهش متغیرها با تحلیل عاملی مجدد ۱۴ مقیاس روی ۳ عامل قرار گرفته که یکی از این عامل ها شامل ۶ ارزش بوده که با عنوان ارزش های توسعه مدار نام گذاری شده است. این ارزش ها عبارتند از: جهانی گرایی، عام گرایی، علم گرایی، عقلانیت، رضایت از زندگی و گرایش به کار پویا.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش کمی استفاده شده است. پژوهش های کمی دارای انواع گوناگونی است که یکی از انواع پر کاربرد و مهم آن پیمایش است (دواس، ۱۳۸۳). در پیمایش اجتماعی از شیوه های گوناگونی برای گردآوری داده ها استفاده می کنند. پرسشنامه یکی از ابزارهای مهم متداول برای گردآوری داده های پیمایشی است، بنابراین ابزار اصلی برای گردآوری داده ها در این پژوهش، پرسشنامه است. البته پیش از تنظیم پرسشنامه برای رسیدن به ابعاد و شاخص های دقیق تری از ارزش های توسعه مدار با ۱۵ نفر از زنان مصاحبه ی عمیق انجام گرفت.

الف- واحد نمونه گیری و حجم نمونه

با توجه به پراکندگی جمعیت مورد مطالعه (زنان بین ۱۵ تا ۴۵ ساله) واحد نمونه گیری در سطح شهر، خانواده است و واحد تحلیل زنان ۴۵-۱۵ ساله است.

پایه ی داده های جمعیتی برای تعیین نمونه ی آماری نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵ است و با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۵۲۴ نفر است (سرای، ۱۳۷۲: ۱۳۹).

ب- شیوه ی نمونه گیری

شیوه ی نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای است بدین معنا که از بین مناطق سرشماری شهر شیراز تعدادی منطقه به گونه ی تصادفی برگزیده و سپس در درون هر منطقه به نسبت خانوارها خوشه ها انتخاب و خانوار درون خوشه ها به گونه ی تصادفی انتخاب شده است.

یافته های پژوهش

وضعیت فعالیت و ارزش های توسعه مدار

جدا شدن محل کار از محل زندگی پدیده ایست که در جریان صنعتی شدن بوجود آمده است. اشتغال زنان به عنوان امر مدرن پدیده ی نو است که مختص جوامع توسعه یافته می باشد. اشتغال خارج از خانه با تغییراتی که در پایگاه اجتماعی- اقتصادی زنان ایجاد کرد، منجر به شکل گیری پایگاه اکتسابی و جدید برای زنان می شود که انتظار می رود زنان در این پایگاه جدید باورها و ارزش های متفاوت از زنان خانه دار داشته باشند. با توجه به این که ۶ ارزش توسعه در این پژوهش مورد توجه بود، ۶ فرضیه شکل می گیرد که در ادامه به آن ها می پردازیم.

ارزش جهانی گرایی و وضعیت فعالیت: ارزش جهانی گرایی به عنوان یک ارزش توسعه مدار است، بنابراین فرضیه ی زیر مطرح می شود که اگر زنان شاغل باشند، پس گرایش به ارزش جهانی گرایی در آن ها افزایش می یابد. بر اساس جدول (۱) بالاترین میانگین جهانی گرایی مربوط به شاغلان و پایین ترین میانگین گرایش به جهان پاک و آرام مربوط به زنان محصلان و خانه دار است، و این تفاوت در سطح ۹۹ درصد معنی داری است.

جدول ۱- جهانی گرایی و وضعیت فعالیت: مقایسه ی وضعیت فعالیت بر حسب ارزش جهانی گرایی

وضعیت فعالیت پاسخگو	فراوانی	میانگین جهانی گرایی	انحراف معیار	اشتباه استاندارد	
شاغل	۸۶	۴۳/۸۸	۱/۲۱	۰/۷۴۵۰۸	
محصل و دانشجو	۱۸۶	۳۹/۹۵	۱/۸۲	۱/۳۱۳۲۱	
خانه دار	۲۵۷	۴۲/۸۴	۱/۳۰	۱/۱۹۱۲۹	
کل	۵۲۲	۴۸/۲۵	۱/۲۳	۰/۵۲۰۶۰	
منبع	SS	df	ms	F	Sig.
بین گروهی	۱۷۷۳/۲۵	۲	۸۸۶/۶۲۴	۵/۴۳۹	۰/۰۰۵
درون گروهی	۸۵۹۹۷/۰۷	۵۲۰	۱۶۴/۰۸۸		
کل	۸۷۱۱۸/۳۲	۵۲۳			

ارزش عام گرایی و وضعیت فعالیت: ارزش عام گرایانه در برابر خاص گرایی یکی از انتخاب های فراروی کنش گران در چگونگی سوگیری نسبت به اعیان گوناگون (اجتماعی، فرهنگی و...) است. عام گرایی به این مسئله می پردازد که کنش گران در هر موقعیت به چه میزان بر حسب هنجارهای عام عمل می کنند. اشتغال نیز به عنوان متغیری که پایگاه اکتسابی تازه ای برای زنان ایجاد می کند، انتظار می رود که جهت گیری ارزش های توسعه مدار را در زنان افزایش دهد، بنابراین فرضیه چنین مطرح می شود که بین وضعیت فعالیت زنان و ارزش های عام گرایانه رابطه است. بر اساس جدول (۲) بالاترین میانگین عام گرایی (۱۵/۸۵) مربوط به زنان خانه دار و کم ترین میانگین (۱۳/۴۸) مربوط به محصلان و دانشجویان است که این تفاوت در سطح ۹۵ درصد معنی دار است.

جدول ۲- ارزش عام گرایی و وضعیت فعالیت: مقایسه وضعیت فعالیت بر حسب ارزش عام گرایی

وضعیت فعالیت پاسخگو	فراوانی	میانگین عام گرایی	انحراف معیار	اشتباه استاندارد	
شاغل	۸۶	۱۴/۶۴	۶/۶۲	۰/۴۴۹۳۳	
محصل و دانشجو	۱۸۶	۱۳/۴۸	۶/۷۵	۰/۷۴۰۸۵	
خانه دار	۲۵۷	۱۵/۸۵	۶/۳۰	۰/۸۰۱۸۴	
کل	۵۲۲	۱۴/۷۵	۶/۴۷	۰/۳۴۸۰۷	
منبع	SS	df	MS	f	sig
بین گروهی	۲۷۴/۹۴۷	۲	۱۳۷/۰۰۳	۳/۰۸۷	۰/۰۴۶
درون گروهی	۲۳۰۷۶/۱۴۳	۵۲۰	۴۴/۳۷۷		
کل	۲۳۳۵۰/۰۹۰	۵۲۲			

ارزش عقلانیت و وضعیت فعالیت: ارزش عقلانیت که به نظم، برنامه و هدفمندی در زندگی باز می‌گردد، در دیدگاه‌های گوناگون از وبر تا شولت و نظریه ی بسیج اجتماعی به عنوان ویژگی افراد مدرن مورد توجه است، بنابراین اشتغال زنان به عنوان یک امر مدرن پایگاه‌های جدید را برای زنان ایجاد می‌کند و انتظار می‌رود این پایگاه‌های اکتسابی گرایش زنان را به سمت عقلانیت افزایش بدهد، بنابراین فرضیه چنین مطرح می‌شود که اگر زنان شاغل شوند، پس گرایش به عقلانیت نیز در آن‌ها افزایش می‌یابد. بر اساس جدول (۳) بالاترین میانگین عقلانیت (۳۲/۶۸) مربوط به زنان شاغل و خانه‌دار است و کم‌ترین میانگین عقلانیت (۱۷/۶۸) مربوط به محصلان است، اما بین گروه‌های گوناگون تفاوت‌ها معنی‌داری وجود ندارد. محصلان و دانشجویان کم‌ترین میانگین عقلانیت را دارا هستند و این مسئله نشان می‌دهد که وارد شدن در مسئولیت و مشارکت حتی در امر خانواده توانست میزان بالاتری از عقلانیت را ایجاد کند، اما متأسفانه برخلاف آن چه انتظار می‌رفت، وضعیت‌ها برای زنان تفاوتی معنی‌دار را در زمینه ی عقلانیت بیش تر ایجاد نکرده است و زنان شاغل و خانه‌دار به یک میزان از میانگین عقلانیت برخوردارند به بیان دیگر در جامعه ی مورد نظر اشتغال برای زنان نتوانست مولد ارزش‌های معطوف به توسعه باشد.

جدول ۳- ارزش عقلانیت وضعیت فعالیت: مقایسه ی وضعیت فعالیت برحسب ارزش عقلانیت

وضعیت فعالیت پاسخگو	فراوانی	میانگین عقلانیت	انحراف معیار	اشتباه استاندارد	
شاغل	۸۶	۳۲/۰۷	۱۰/۱۵	۰/۶۲۲۲	
محصل و دانشجویان	۱۸۶	۱۷/۶۸	۹/۱۰	۰/۹۳۷۵	
خانه‌دار	۲۵۷	۳۲/۷۲	۱۰/۲۰	۰/۸۴۸۸۳	
کل	۵۲۲	۳۲/۶	۱۰/۰۳	۰/۴۲۳۹۲	
منبع	ss	df	ms	F	Sig.
بین گروهی	۱۶۵/۲۷۳	۲	۸۲/۶۳۶	۰/۹۴۸	۰/۳۸۸
درون گروهی	۹۶۶۱۵/۴۴۱	۵۲۰	۸۷/۱۸۰		
کل	۳۶۷۸۰/۷۱۴	۵۲۲			

تحلیل واریانس ارزش علم‌گرایی و وضعیت فعالیت: ارزش علم‌گرایی به عنوان یک گرایش توسعه‌مدار مطرح است که انتظار می‌رود گرایش زنان شاغل به این ارزش نیز افزایش یابد، بنابراین فرضیه چنین مطرح می‌شود که اگر زنان شاغل باشند پس ارزش علم‌گرایی افزایش می‌یابد. بر اساس جدول (۴) بالاترین میانگین گرایش به علم‌گرایی (۲۲/۷) مربوط به خانه‌داران است و کم‌ترین مربوط به شاغلان و محصلان است، اما این تفاوت در بین گروه‌های گوناگون معنی‌دار نیست.

به بیان دیگر، وضعیت فعالیت نتوانست تفاوتی معنی دار را در زمینه ی علم‌گرایی زنان شاغل و خانه‌دار ایجاد کند.

جدول ۴- ارزش علم‌گرایی و وضعیت فعالیت: مقایسه وضعیت فعالیت بر حسب ارزش علم‌گرایی

وضعیت فعالیت پاسخگو	فراوانی	میانگین علم‌گرایی	انحراف معیار	اشتباه استاندارد
شاغل	۸۶	۲۱/۷۷	۶/۵۰	۰/۴۲۲۴
محصل و دانشجویان	۱۸۶	۲۱/۴۱	۸/۹۸	۰/۷۶۹۶
خانه‌دار	۲۵۷	۲۲/۵۶	۷/۴۱	۰/۷۱۷۴
کل	۵۲۲	۲۲/۴۶	۷/۲۲	۰/۳۲۹۲

منبع	ss	df	ms	F	Sig.
بین گروهی	۱۴۵/۸۰۲	۲	۷۲/۹۰۱	۱/۲۱۷	۰/۲۹۳
درون گروهی	۳۱۱۱۸/۸۵۷	۵۲۰	۵۹/۸۸۱		
کل	۳۱۲۶۴/۶۶۰	۵۲۲			

وضعیت فعالیت و رضایت از زندگی: رضایت از زندگی به باور اینگلهارت از ویژگی جوامع مدرن است و شغل نیز به عنوان عاملی مدرن از عامل های ایجاد کننده ی آمادگی برای پذیرش ارزش‌های مدرن است، بنابراین فرضیه این است که بین شغل و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد. وضعیت فعالیت و به نوبه ی خود اشتغال خارج از محیط خانه با توجه به این که موقعیت بهتری را از نظر اقتصادی برای زنان ایجاد می‌کند، انتظار می‌رود رضایت از زندگی بیش تری نیز برای زنان ایجاد کند، اما بر اساس جدول (۵) زنان خانه‌دار و شاغل به یک میزان رضایت از زندگی داشته به بیان دیگر اشتغال زنان نتوانست رضایت از زندگی بیش تری را برای زنان ایجاد کند.

جدول ۵- وضعیت فعالیت و رضایت از زندگی: مقایسه ی وضعیت فعالیت بر حسب رضایت از

زندگی

وضعیت فعالیت پاسخگو	فراوانی	میانگین رضایت از زندگی	انحراف معیار	اشتباه استاندارد	
شاغل	۸۶	۲۲/۹۲۲	۸/۵۹		
محصل و دانشجویان	۱۸۰	۲۲/۳۵۲	۹/۴۷		
خانه‌دار	۲۵۷	۲۲/۹۲۲	۹/۳۲		
کل	۵۲۲	۲۲/۷۵۱	۹/۲۳		
منبع	ss	df	ms	F	Sig.
بین گروهی	۲۳/۳۸۱	۲	۱۱/۶۹۱	۰/۱۳۷	۰/۸۷۲
درون گروهی	۴۴۵۱۲/۳۰۵	۵۲۰	۸۵/۶۰۱		
کل	۴۴۵۳۵/۶۸۶	۵۲۲			

وضعیت فعالیت و ارزش کار پویا: نگرش به کار پویا به عنوان محور زندگی یکی از شاخص های فرهنگی توسعه به وسیله ی هریسون مطرح می شود و تعلیم و تربیت به منزله ی یک عنصر محیطی که آمادگی برای پذیرش باورهای نو را ایجاد می کند همواره محور دیدگاههای نوسازی بوده است، بنابراین فرضیه، بین شغل و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد. جدول (۶) آزمون این فرضیه را نشان می دهد. بر اساس جدول (۶) بالاترین میانگین ارزش کار پویا (۲۵/۲۲) مربوط به شاغلان و کم ترین مربوط به محصلان و خانه‌داران است. این تفاوت در بین گروه‌های گوناگون در سطح ۹۹ معنی‌دار درصد است. به بیان دیگر، وضعیت فعالیت توانست تفاوتی معنی دار در زمینه ی گرایش به کار پویا در زنان شاغل ایجاد کند.

جدول ۶- وضعیت فعالیت و ارزش کار پویا: مقایسه ی وضعیت فعالیت برحسب ارزش کار پویا

وضعیت فعالیت پاسخگو	فراوانی	میانگین ارزش کار پویا	انحراف معیار	اشتباه استاندارد
شاغل	۸۶	۲۵/۲۲۰	۵۲۵/۰۸۸	
محصل و دانشجویان	۱۸۰	۲۲/۸۸۸	۵/۸۵	
خانه‌دار	۲۵۷	۲۳/۲۶۰	۶/۰۱	
کل	۵۲۳	۲۳/۴۵۵	۵/۸۶	
منبع	SS	df	ms	F
بین گروهی	۳۳۵/۵۸۱	۲	۱۶۷/۲۹۰	۴/۹۵۶
درون گروهی	۱۷۶۰۶/۱۱۳	۵۲۰	۳۳/۸۵۸	
کل	۱۷۹۴۱/۶۹۴	۵۲۲		
				Sig.
				۰/۰۰۷

بحث و نتیجه گیری

ارزش‌ها، پایه و اساس بینش و کنش انسان را تشکیل می‌دهند و در گزینش و انجام کنش نقشی تعیین کننده دارند. در این مقاله روش تجربی که برای اندازه‌گیری ارزش‌های توسعه مدار به عنوان ابزار تحقیق مورد استفاده قرار گرفته، شرح داده شد و با تحلیل عاملی ۶ مقیاس را که به روی یک عامل قرار گرفته‌اند را با عنوان ارزش‌های توسعه مدار بدست آورده که عبارتند از: جهانی‌گرایی، عام‌گرایی، عقلانیت، علم‌گرایی.

با توجه به مبانی نظری و ادبیات تحقیق ارزش و پیشرفت‌های اقتصادی در یک ارتباط متقابل بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند. اشتغال زنان به عنوان یک شاخص توسعه موجب ارتقای وضعیت اقتصادی زنان می‌شود و این امر به نوبه ی خود می‌تواند جهت‌گیری ارزشی آنان را به سمت ارزش‌های توسعه مدار سوق دهد. البته در این بررسی کافی نبودن تعداد زنان شاغل در حجم نمونه یک محدودیت بوده است. به همین دلیل اغلب میانگین ارزش‌ها در رتبه‌های شغلی گوناگون زنان از نظر آماری معنی‌دار نبوده و به همین دلیل از آوردن جداول صرف‌نظر شده است.

وضعیت فعالیت زنان با ارزش‌های جهانی‌گرایی، عام‌گرایی و کار پویا توسعه مدار رابطه ای معنی دار دارد. میانگین جهانی‌گرایی برای شاغلان زن بیش از دیگر گروه‌هاست. و این امر نشان از آگاهی و اهمیت امر جهانی و صلح جهانی نزد زنان شاغل است که این امر می‌تواند ناشی از تهدیدهای خارجی باشد و از نیاز افراد به امنیت اقتصادی و سیاسی ایجاد شود. عام‌گرایی کم‌ترین میانگین را بین دانش‌آموزان و دانشجویان دارد به بیان دیگر، این گروه کم‌تر از زنان

شاغل و خانه دار بر اساس ضوابط عام مربوط به هر موقعیت عمل می کند به بیان دیگر دانش آموزان و دانشجویان خاص گراتر هستند.

گرایش به کار پویا نزد زنان شاغل از میانگین بالای برخوردار است این امر نشان می دهد شغل توانست برای زنان تجهیز شناختی را در ارتباط با کار تولیدی و پویا ایجاد کند و این گروه از زنان به کار به عنوان محور پیشرفت نگاه می کنند. این یافته با نظرات هریسون و گروندونا همسو است میانگین عقلانیت و علم گرایی برای زنان خانه دار و شاغل یکسان است به بیان دیگر شغل به عنوان امری مدرن نتوانسته در زنان تجهیز شناختی لازم را ایجاد کند و به طور قطع موانع دیگری در ساختار های اجتماعی بر سر راه تحرک فکری زنان در ارتباط با تولید علم ، تفکر منطقی و عقلانی قرار دارد. این امر می تواند ناشی میزان پایین مشارکت و عضویت زنان در گروه ها و انجمن های گوناگون باشد. به بیان دیگر، اشتغال زنان به تنهایی در حرکت فکری زنان به سمت توسعه و ارزش های نوین کافی نبود.

میانگین رضایت از زندگی برای زنان خانه دار و شاغل یکسان است. با توجه به این که شغل موقعیت بهتری را از نظر اقتصادی و اجتماعی برای زنان ایجاد می کند، انتظار می رود زنان شاغل از زندگی خود راضی تر باشند. افزون بر این، با توجه به آراء ون ظرات روان شناسان اجتماعی زنان شاغل با داشتن خودآمیختگی بیش تر بایستی سازگارتر و شادتر از زنان خانه دار باشند، اما یافته ها این دیدگاه را تایید نمی کنند. و این امر می تواند ناشی از بار مضاعف اشتغال زنان در یک جامعه ی در حال گذر باشد زیرا با توجه به ویژگی فرهنگی این گونه جوامع زنان شاغل نقش های متعددی را دارند و این تعدد نقش ها به نوبه ی خود فشار نقش را ایجاد می کند که رضایت از زندگی آن ها را تحت تاثیر قرار می دهد.

منابع

- ۱- آزاد ارمکی، ت. و غیاثوند، ا. ۱۳۸۳. جامعه شناسی و تغییرات فرهنگی در ایران. تهران: نشر آن.
- ۲- اینگلهارت، ر. ۱۳۷۳. تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته ی صنعتی. ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- ۳- توسلی، غ. ع. ۱۳۷۳. جامعیت مفهوم توسعه و رایانه آن با فرهنگ. فرهنگ توسعه، شماره ۱۵ سال ۳.
- ۴- تیموری، ک. ۱۳۷۷. بررسی مقایسه نظام ارزشی پسران و پدران تهران. آینه پژوهشی، جلد ۲.
- ۵- دواس. د. ا. ۱۳۸۳. پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.
- ۶- دهستانی، ج. ۱۳۷۹. تأثیر جامعه پذیری بر ارزشهای نوجوانان. دانشگاه شیراز.
- ۷- رفیع پور، ف. ۱۳۷۸. آناتومی جامعه، شرکت انتشار.
- ۸- ریتزر، ج. ۱۳۷۷. نظریه جامعه شناسی معاصر. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی .

- ۹- سرایی، ح. ۱۳۷۲. نمونه گیری. تهران: سمت.
- ۱۰- سو، ا. ۱۳۸۰. تغییرات اجتماعی و توسعه. ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۱- سهامی، س. ۱۳۸۱. بررسی ارزش های فرهنگی جوانان در مقایسه با بزرگسالان در شیراز، فصلنامه پژوهشی فرهنگی فرهنگ فارس، دوره جدید شماره ۵-۴، ص ۴۹-۲۳.
- ۱۲- سیف الهی، سیف الله (۱۳۸۱). جامعه شناسی مسایل اجتماعی ایران. تهران: موسسه انتشارات جامعه پژوهان سینا.
- ۱۳- سیف زاده، سید حسین (۱۳۷۵). نظریه مختلف درباره ی راههای گوناگون نوسازی و دگرگونی سیاسی. چاپ سوم، تهران: نشر قومس.
- ۱۴- شادی طلب، ژاله (۱۳۸۱). توسعه و چالش های زنان ایران. تهران: نشر قطره.
- کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۸۰). تضاد بین دولت و ملت نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- ۱۵- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۷) بحران در جامعه مدرن، زوال فرهنگ و اخلاق در فرایند نوگرایی نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۶- گن، ایرنه و ذیر، له من (۱۳۸۳). کارگردانی دگرگونی سیاسی. ترجمه: احمدترین، تهران: نشر سفید.
- ۱۷- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدمدرنیت. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- ۱۸- لهستانی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۰). جامعه شناسی توسعه. جزوه پیام نور.
- ۱۹- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹). بررسی آگاهی، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران. دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.
- ۲۰- مور، برینگتون (۱۳۶۹). ریشه های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر دانشگاهی.
- ۲۱- نیکخواه، نرگس (۱۳۸۴). تحول نگرش نسبت به زنان. تهران: چاپ و نشر عروج
- ۲۲- وبر، ماکس (۱۳۸۱). مفاهیم اساسی جامعه شناسی. ترجمه احمد صدارتی چاپ پنجم، تهران: نشر مرکز.
- ۲۳- ویستر، آندرو (۱۳۸۱). درآمدی بر جامعه شناسی توسعه. ترجمه امیر حسین اصغری، تهران: کوهسار.
- ۲۴- ورسلی، پیتر (۱۳۷۳). جامعه شناسی مدرن. ترجمه حسن پویان، تهران: چاپ پخش.
- ۲۵- وثوقی، منصور و نیک خلق، علی اکبر (۱۳۷۹) مبانی جامعه شناسی، تهران: بهینه.
- ۲۶- وینر، مایرون (۱۳۵۴). نوسازی جامعه. ترجمه مقدم مراغه ی، تهران: فرانکلین.
- ۲۷- هریسون، پل (۱۳۶۴). درون جهان سوم. ترجمه شاداب وجدی، تهران: فاطمی.
- 28- Dahlke, H. Otto (1985). Value in culture and classroom; A Study in the Sociology of the School. New York: Harper.
- 29- Hofsted, G. H. (1997). Culture and organization. USA: Mc Graw.
- 30- Kim, S. K. and Bryan, Li. C Kisa and Gladys F. Ng (2005). The Asian American Values Scale-Multidimensional: Development, Reliability and

- Validity. *Cultural Diversity and Ethnic minority psychology*, Volume. 11, Issue. 3, Pp. 187- 201.
- 31- Inglehart, Ronald and Baker, Wayne E. (2000). Modernization, Culture Change and the Persistence of Traditional Values. *American sociological Review*, Vol. 65, February, Pp19-47.
- 32- Inkless, Alex(1969). Making Men Modern: On the Causes and Consequence of Individual Change in six Developing Countries, *American Journal of Sociology*, 75, Pp. 208-225.
- 33- Lerner, Denial (1964). *The Passing of Traditional Society*. Free press: New York.
- 34- Merritt, Ashleigh (2000). Culture in the cockpit Do Hofsted's Dimensions Replicate? *Journal of cross- cultural psychology*, Vol. 31, Pp. 238- 301.
- 35- Savage, Mike and Tony, Bennett (2002). Editor's introduction: cultural capital and social inequality. *The British Journal of sociology*, Volume. 50, Issue. 1.
- 36- Schwartz, Vera (1997). Culture Identity in Twentieth Country China. *Sociological Abstract*.
- 37- Schwartz, H. Shalom (2000). Value Consensus and Importance across-National Study. *Journal of Cross-Culture Psychology*, Vol. 31, No. 4, July, Pp. 465-497.
- 38- Schwartz, Shalom H. (2006). *Basic Human Values: Theory, Measurement, and Applications*. The Hebrew University of Jerusalem.
- 39- Smith, D. E. ed. (1965). *Religion and Political Modernization*, New Haven: Yale University Press.
- 40- Spears, R. and Oak, P. J. and Ellemers, N. and Alex, Onder, S. (1997). *The Social Psychology of Stereotyping and Grouplife*. UK: Blackwell.
- 41- Trandis, H and Xiao, P. C and Darius, K. S. (1998). Scenarios for the Measurement of Collectivism and Individualism. *Journal of cross cultural psychology*, Vol. 29, No. 2, March, Pp. 275-289.
- 42- Vanpeth, Jan and Scar brough, ELiner (1995). *Impact of Value*. New York: Oxford Press.
- 43- Weret A. C. and Elman C. and Pendleton F. B.(2005). The Postmodern Individual: Structural Determinants of Attitudes, *Comparative Sociology*, Volume 4, issue 3-4 ,Pp 339-363.